

مطبوعات اصفهان در انقلاب مشروطیت

(۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ ه. ق)

فروغ الزمان نوری اصفهانی

قسمت دوم

انتشار روزنامهٔ الجناب مورد عیبجویی برخی قرار داشت.^۱ شاید به همین دلیل باشد که انتشار این روزنامه چندان به درازا نپایید و آنچه که از این روزنامه یافتیم، ۸ شماره است و محمد صدر هاشمی نیز تنها به ۹ شماره آن دسترسی یافته^۲ و احتمالاً بیش از این نیز نشر نیافته است.

خصوصیات روزنامهٔ الجناب روزنامهٔ «الجناب» برخلاف دیگر روزنامه‌های عصر مشروطه، از نثری ثقیل و دشوار برای عامهٔ مردم بهره می‌گرفت. در این دوره، به‌علت آزادی مطبوعات و شرایط انقلابی حاکم بر کشور و توجه و علاقه‌مندی بیش از پیش مردم به روزنامه و مسائل سیاسی - اجتماعی کشور، روزنامه‌ها عمداً از نثری ساده و عامه

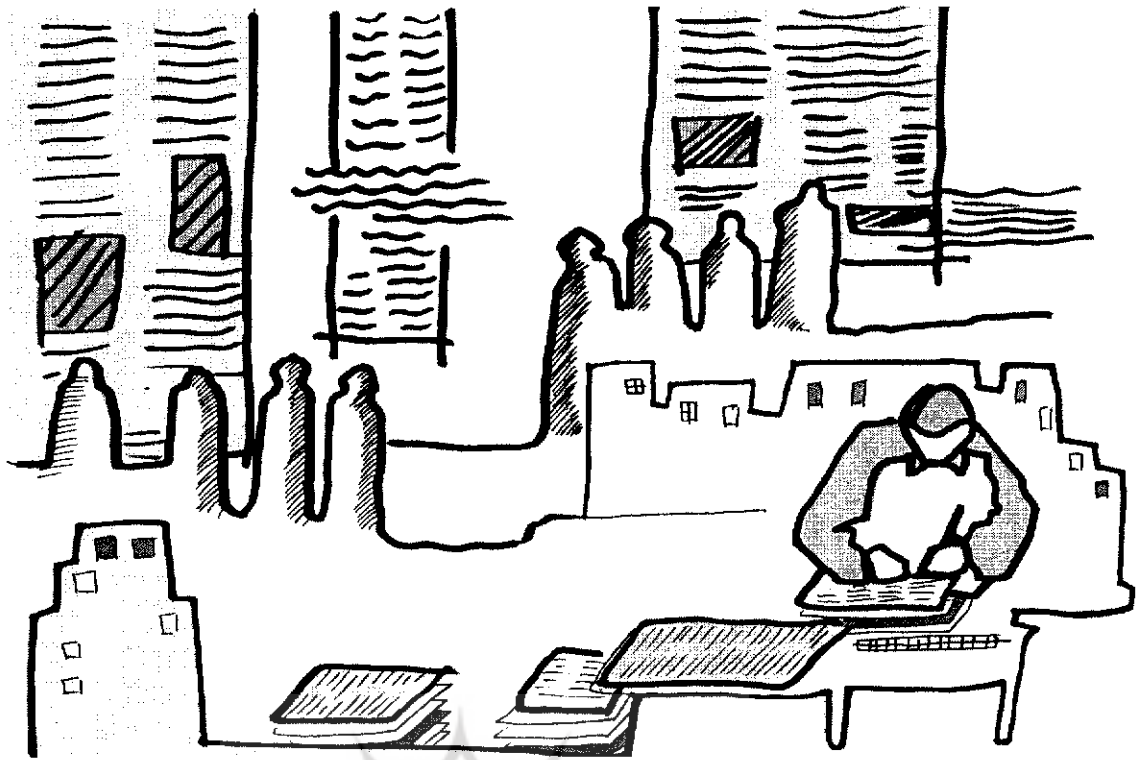
الجناب

«الجناب»، نخستین روزنامه‌ای است که پس از صدور فرمان مشروطیت، توسط حاج میر سیدعلی جناب در اصفهان تأسیس شد و نخستین شمارهٔ آن در تاریخ ۲۰ شوال ۱۳۲۴ ه. ق انتشار یافت. قطع این روزنامه ۲۳×۴۶ سانتی متر بود و با چاپ سنگی و به خط نستعلیق هفته‌ای یک بار منتشر می‌شد. در سرلوحهٔ کلیهٔ شماره‌های «الجناب»، دربارهٔ اهداف و خط مشی این روزنامه تأکید شده بود:

«روزنامه‌ای است ملی، کاشف از ناهت ملت نجیبه و باحث از اخبار و علوم و منافع ارجعه به ملت و متشکر از عنایت ایصال اخبار و فصول و مواد علمیهٔ مقتضیه با آزادی از ادراج کل با تأدیةٔ عوض در موقع مناسب.»

همچنین از آنجا که پیش از انقلاب مشروطیت «در اصفهان روزنامه‌خوان معدود و معروف و خائف بودند»^۱ حاج سید میرعلی جناب در روزنامه جانب احتیاط را از دست نداده و به حاج شیخ نورالله معروف به ثقة الاسلام توسل جست و با موافقت ایشان برای جلوگیری از اقدامات معاندین و مفسدین در سرلوحهٔ شمارهٔ اول «الجناب» تأکید نمود «به فضل حق در تحت توجهات حضرت اشرف شریعتمدار ثقة الاسلام دامت برکاته»^۲ ولی به‌رغم این حمایت و اعلام آن، همچنان

۱- الجناب، سال اول شمارهٔ ۲، سوم ذیقعدة ۱۳۲۴ ه. ق، ص ۸، «مکتوب شهری».
۲- الجناب، سال اول، شمارهٔ ۱، بیستم شوال ۱۳۲۴ ه. ق، ص ۱، سرلوحه؛ ناگفته نماند که از شمارهٔ دوم به بعد این جمله حذف شده است.
۳- الجناب، سال اول شمارهٔ ۲، سوم ذیقعدة ۱۳۲۴ ه. ق، ص ۸، «مکتوب شهری».
۴- ر.ک. به: محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد اول، (اصفهان، کمال، ۱۳۶۳)، ص ۲۴۷.



۸ شماره (۱ تا ۸) این روزنامه یافت شد که براساس این شماره ۸ مباحث و مقالات آن را می توان در محورهای زیر بررسی نمود.

۱- روزنامه و روزنامه نگاری

حاج میر سیدعلی جناب در مقاله ای با عنوان «مسئله» در شماره ۶ «الجناب» می نویسد:
 «آزادی که نسبت به اقلام نویسندگان اعطاء شده است به سبب آن است که بتوانند تحقیق منافع و مضار مجاری امور را نموده، انتشار دهند تا آنچه راجع به ملت می باشد در صدد دفع داخل آن برآیند و آنچه راجع به دولتیان می باشد تدارک کنند»^۱ و در شماره دوم تأکید می کرد که هدفش از نشر روزنامه آن است که «اهالی اوضاع جهان را بفهمند و عالمان غیور شوند»^۲.

۲- لزوم حمایت و اتحاد کلیه آحاد مردم از انقلاب مشروطیت در این زمینه در شماره دوم «الجناب» آمده:
 «امروز روزی است که اهالی ایران تماماً خود را پسر

فهم بهره می گرفتند. این نقیصه «الجناب» موجب می شد تأثیر اجتماعی آن محدود شود و از مقبولیت آن به ویژه پس از انتشار روزنامه های دیگر اصفهان از جمله «انجمن اصفهان»، «جهاد اکبر» و... کاسته شود و این نیز می تواند در توقف و تعطیلی آن مؤثر بوده باشد.

به لحاظ صفحه آرای، عنوان بندی، تقسیم و درج مطالب و... اگرچه از شماره اول به بعد «الجناب» تغییراتی یافت و بهتر شد، باز هم نقایص جدی با خود داشت. چنانکه مثلاً عنوان سرمقاله شماره ششم «الجناب» چنین بود «بقیه خسارت در تان پنجم» که منظور، آن بود که این سرمقاله ادامه سرمقاله شماره پنجم «الجناب» است که عنوان آن «خسارت تازه» بوده و ترجمه ای است از مقاله روزنامه فرانسوی «تان»!! همچنین در چند شماره اولیه «الجناب» عمده صفحات به درج اخبار داخلی و خارجی اختصاص داشت که به تدریج از حجم آن کاسته شد. همچنین با تشکیل انجمن ایالتی اصفهان (۶ ذیقعه ۱۳۲۴ هـ) اخبار و مذاکرات انجمن ایالتی نیز در «الجناب» نشر می یافت.

مباحث و موضوعات مورد بررسی و علاقه «الجناب» چنانکه آمد، به رغم جست و جوی فراوان در آرشیوهای مطبوعات اصفهان (اعم از عمومی و خصوصی) تنها

۱- الجناب، سال اول، شماره ۶، (فاقد تاریخ نشر است)، ص ۴ و ۵.
 ۲- الجناب، سال اول، شماره ۲، سوم ذیقعه ۱۳۲۴ هـ، ص ۸، «مکتوب شهری».

(سؤال و جواب)
 بسم الله الرحمن الرحيم
 از منبر نورسیدگان
 و صدادرمانان
 که من حکمت
 و عدل یعنی
الجناب
 بفضل و در کمال تقاضای
 شریف و زینت و تکریم
 سنه ۲۰ شوال المبارک ۱۳۲۴

یک پدر می دانند و اتحاد که شیوه مرضیه اسلام است با کمال غیرت به خرج رقبای همجوار دهند. چنانچه علمای اصفهان درصدد بوده و هستند که نوعی اتحاد اسلامی در این شهر جاری نمایند.^۱

اما «الجناب» از عملکرد «عیبجویان هرزه گو» نگران است که می کوشند و می خواهند اخلال کنند و اتحاد را برهم زنند و بایستی چاره‌ای در مقابله آن اندیشیده شود.^۲

۳- حریت و مساوات

در شرایطی که بحث حریت و مساوات از سوی مشروطه خواهان و مخالفان آنها مورد کنکاش و ستیزه بود و در مجلس شورای ملی و مطبوعات تهران به شدت مورد بررسی قرار می گرفت، «الجناب» به این بحث پرداخته و در برابر «بعضی جهال که باز درصدد عیبجویی برادران اسلامی خود هستند و خود را عیسی ثانی می دانند در معنی حریت افترا می زنند به موضع گیری و پاسخگویی برمی آید و با ذکر توضیحات پیرامون «جبابره و فراعنه و سلاطین سابق از پیشدادیان و غیره» که همواره «نزاع آنها با جان و مال بندگان خدا بر سر مال و جان بندگان خدا بود و دین مقدسه اسلام این قاعده نجسه را تروک فرمود.» توضیح می دهد که «شرع مقدس اسلام هر مسلمی از قید بندگی بنده آزاد و مختار شغل خود است که در شرع مقرر شده است.»^۳

همچنین وی تأکید می کند «امروز مجلس ملی مشغول احکام مساوات حقوق مسلمین و اجرای احکام خدا و رفع ظلم شده» و هدف آن است که با این اقدامات ایران همانند «اهالی ژاپون» رشد و ترقی نمایند.^۴

طوطی وار است»، معضلاتی بر سر گسترش صنایع داخلی ایجاد می کند، همچنین وی هشدار می دهد که خطر دیگر در این زمینه به کسانی برمی گردد که شغل و کسب آنها خرید و فروش کالاهای خارجی است که بنا به منافع شخصی خود حاضر نیستند از این درآمد بگذرند و محدودیتهایی را بر خود قبول نمایند تا صنایع داخلی رشد و گسترش یابد.^۶

۵- مسائل سیاسی - اجتماعی اصفهان

سیدعلی جناب در عرصه مسائل شهر اصفهان نگرش انتقادی دارد. مثلاً در مورد انتخاب وکلای اصفهان در مجلس شورای ملی می نویسد: که به رغم تحولی که انقلاب مشروطیت در افکار و اذهان مردم اصفهان پدید آورده «باز مردم کجی خیالات معوج خود را رها نکرده

۴- حفظ صنایع داخلی و مقابله با نفوذ بیگانگان

در پی ورود عنان گسیخته کالاها و محصولات خارجی به ایران که موجب اولاً اضمحلال صنایع داخلی و ثانیاً خروج داراییها از کشور می شد، گروهی از روحانیون و تجار اصفهان در آستانه انقلاب مشروطیت با ایجاد شرکت اسلامی کوشیدند صنایع داخلی را توسعه داده و خرید و استفاده از اجناس خارجی که دارای کالای مشابه داخلی بود را تحریم نمودند.^۵

پس از انقلاب مشروطیت «الجناب» همان نگرش را تبلیغ و ترویج می کرد و مردمان را به لزوم خرید و بهره گیری از تولیدات داخلی فرامی خواند و در ضمن هشدار می دهد که این مسأله از سوی «عوام که هر چه به آنها گفته می شود نمی فهمند و اگر هم چیزی بگویند

۱- الجناب، سال اول شماره ۲، سوم ذیقعدۀ ۱۳۲۴ ه.ق، ص ۸، «مکتوب شهری»؛ همچنین الجناب، سال اول، شماره ۳، جمعه ۱۲ ذیقعدۀ ۱۳۲۴، ص ۳.

۲- الجناب، سال اول شماره ۲، سوم ذیقعدۀ ۱۳۲۴ ه.ق، ص ۸.

۳- الجناب، سال اول شماره ۳، جمعه ۱۲ ذیقعدۀ ۱۳۲۴، ص ۲.

۴- الجناب، سال اول شماره ۳، جمعه ۱۲ ذیقعدۀ ۱۳۲۴، ص ۲.

۵- برای شرکت اسلامی و اهداف آن ر.ک به: ثریا، سال اول، شماره ۳۳ و ۳۴ و سال دوم شماره ۲۸.

۶- الجناب، سال اول شماره ۳، جمعه ۱۲ ذیقعدۀ ۱۳۲۴، ص ۱، همچنین الجناب سال اول، شماره ۶، فاقد تاریخ است، ص ۷.

مثلاً شخص تاجر ایراد به انتخاب علما می‌کند یا بالعکس» وی ایراد می‌گیرد که چرا اهالی حق و حقوق خود را نمی‌شناسند و به حقوق دیگران تعرض می‌کنند و توصیه می‌نماید «هرکس باید در طبقه خود منتهی دقت را داشته، آن وقت باید همه در تصحیح خود بکوشند...»^۱ یا آنگاه که به انجمن ایالتی اصفهان می‌پردازد علاوه بر پیشنهادهایی از جمله معین بودن محل نشستن اعضای انجمن، منشیان و قاریین و عرایض، شخص و مکتوب بودن عرایض، رعایت نوبت و... ارائه می‌دهد. در توضیح چگونگی رسیدگی به شکایات و دعای مطروحه در انجمن ایالتی می‌نویسد:

«... به واسطه آنکه مردم بیچاره چه از آباء خود و چه خود غیر از اسم غیر مبارک ظلم و استبداد چیزی نشنیده، یک مرتبه به هیجان آمده با وجودی که شالوده این

میر سید علی جناب در کنار سردر قدیم مسجد جامع



مجلس «انجمن ایالتی» بر احقاق حقوق است، نه عارضین به طور صحیح شکایت خود را ارائه کردند و نه اعضا جواب آنها را دادند»^۲ همچنین در بررسی و توجه به مسائل شهر و امور و عملکردهای اقشار مختلف به نقد و بررسی آنها می‌پردازد و در هر مورد توصیه‌ها و راه‌حلهایی عرضه می‌نماید.^۳

عناوین دیگر مقالات مهم الجناب چنین است: فواید بانک ملی، مکتوب دانشمندی از نایب، تقیة اسلام، مکتب جعلی.

به‌رغم آنکه الجناب در اصفهان آن هم به مدت کوتاهی انتشار یافت گویا در دیگر شهرهای ایران نیز خوانندگانی یافته بود، چرا که در برخی شماره‌های آن نامه‌هایی از دیگر شهرهای ایران که خطاب به «الجناب» بوده نیز به چاپ رسانیده است.^۴

نمونه‌ای از مقاله‌های «الجناب»

مکتوب شهری

«تعالوا الی کلمه صواب بینا و بَیِّنکم» از آنجایی که خداوند عالم هر وقت که خواست قومی را نیکبخت و سربلند فرماید اسباب آن را به‌زودی «مِنْ حَیْثُ لَا یَحْتَسِبَ» فراهم می‌آورد. این است که ملاحظه می‌شود که در چند روز قبل در اصفهان روزنامه‌خوان معدود و معروف و خائف بودند از سیه‌روزگاری، ولی امروز در این شهر روزنامه به طبع می‌رسد که جهان (را) بفهمند و عالمان غیور شوند. لیکن با وجود این خوشبختیهای به نهایت که مثل باران رحمت به حال اهالی (ایران) می‌بارد باز مردم کجی خیارات معوج خود را رها نخواهند کرد مثلاً شخص تاجر ایراد به انتخاب علما می‌کند یا بالعکس لیک چنانکه خود او ملاحظه می‌کرد می‌دانست که هر کس باید در طبقه خود منتهی دقت را داشته باشد آن وقت باید همه در تصحیح انتخاب طبقه بکوشند و شربت نیکنومی و بزرگی بنوشند، اما حیف که عیب دیگران را گرفتن از دهان عیبجو شیرین‌تر از رفع عیب خود کردن است. باری حال وقت تنگ و مجال

- ۱- الجناب، سال اول، نمره دوم، سوم ذیقعدہ ۱۳۲۴ ق. صفحه هشتم.
- ۲- الجناب، سال اول، نمره سوم، جمعه دوازدهم ذیقعدہ ۱۳۲۴ ق. صفحه ۱ و ۲.
- ۳- الجناب، سال اول، شماره دوم، سوم ذیقعدہ ۱۳۲۴ هـ ق، ص ۸، مکتوب شهری.
- ۴- الجناب، سال اول، شماره ۴، ۱۹ شهر ذیقعدہ ۱۳۲۴ هـ ق، ص ۳، مقدمه و تذیل.

درنگ نیست. خوب است عقد اخوت که از جمله سنن مقدسه اسلام است تجدید نماییم و عیب برادران خود را عیب خود دانیم و در ستر و سر آن جان شیرین خود را فدا و ایثار تا نام نیک ما مثل نیکان باشد، چنانکه کردند و شد، باری امروز روزی است که اهالی ایران تماماً خود را پسر یک پدر می‌دانند و اتحاد که شیوه مرضیه اسلام است با کمال غیرت به خرج رقبای همجوار دهند چنانچه علمای اصفهان در صدد بوده و هستند که نوعی اتحاد اسلامی را در این شهر جاری نمایند، ولی حیف عیبجویان هرزه گو فرصت نمی‌دهند مجالسی نشستند و بر خود رحم کردند که کاری کنند که کفن اموات پارچه اسلامی باشد.^۱ با لباس خودشان و همچنین نوشتجات که مهر باید بشود، بلکه از این جهت چند نفر با سواد اسلامی کسب پیدا کنند و مردهای بیچاره هم طاهر مقینی باشند و اتحادی هم در ضمن پیدا کنند یا للعجب بیا و تماشا کن چه مضمونها که گفته نشد، اما عوام بیچاره که هر چه به آنها گفته شود نمی‌فهمند و اگر هم چیزی بگویند طوطی وار است. اما آنها که می‌فهمند یا آن است که منافی شغل آنهاست از قبیل بزازی یا ارسی فرنگی فروشی یا اجناس دیگر فرنگی که مسلم النجاسه می‌باشد. یا آن است که به واسطه یا بی‌واسطه مربوط به خارجه هستند. مثل تجار معظم یا دلالها، حال ملاحظه آن را نمی‌کنند که اگر چنانچه چند روزی کسر در تجارت آنها پیدا شود با کمال رواج آن بیشتر و بهتر خواهد شد. چنانچه فی‌الجمله اثر آن در اسلامیه ظاهر شد. علاوه ملاحظه آن را نمی‌کنند که پولی که به توسط آنها خارجه می‌برد هر یک تومان چند قران آن مال خود آن می‌باشد. جهت آنکه خود آنها هم از اهالی ایران نمی‌باشند و در این ضرر شریک، باری از غرض باز نمایم بعضی از جهال که باز در صدد عیبجویی برادران اسلامی خود هستند و خود را عیسی ثانی می‌دانند در معنی حریت افتراها زده‌اند، لازم شد عرض شود چون در زمان جباریه و فراعنه و سلاطین سابق از پیشدادیان و غیره مال بندگان خدا بر سر مال و جان بندگان خدا بود و گاهی آنها را با مایملک آنها می‌فروختند گاهی به رسم هدیه و تعارف به همدیگر بخش می‌کردند این قاعده جاری بود مثل اینک در بعضی جاها هنوز متداول است دین مقدس اسلام این قاعده نجسه را متروک فرمود، اما بالنسبه به مسلمین که به هیچ نوع عبودیت را روا نداشت بالنسبه به اهل کتاب هم شرایط جزیه و غیره مقرر فرمود. بالنسبه به دیگران یا قتل یا اسلام به هر حال برحسب تدوینات مقرر شرع

اسلام به هیچ قسم این نوع عبودیت که در سلاطین سابق مقرر بوده جایز نبوده و نیست. سیاست هم که با بهر ذی‌نفسی عبودیت به سلاطین جبار و فراعنه قهار را غیر جایز می‌دانند پس بر حسب شرع مقدس اسلام هر مسلمی از قید بندگی بنده آزاد و مختار نفس خود است که در شرع مقرر شد. همچنین است حکم سیاست در این مقام لیکن این آزادی همین قدر خلاف بندگی می‌باشد که سلاطین جبار و فراعنه وضع کرده‌اند از جهت آنکه هر کاری و هر ستمی را بندگان جایز و روا دانند، اما بالنسبه به خدای تعالی و احکام الهی بنده و مطیع و مقید به تمام شریعات همچنین به شرع سیاست آزادند بالنسبه به تنفس و مکان و خوراک که از گرسنگی نمیرد، لیکن بالنسبه سایر اعمال و افعال در کمال قید و مقید به قانون شرع الهی در سیاسی این است معنی حریت که مجلس در صدد است. جان من چشمها باز کن فرض کن هر عیبی که تصور کنی حاصل، اما چاره هم باید یا آنکه باید رها کرد که اجانب چهار روز دیگر با ماها که خود را آفاذاده عالم می‌دانیم به عبودیت هم رفتار نکنند حال آنها که به نظرشان مطلبی می‌رسد که عیب در او است خودت همین که هیچ کار نمی‌کنی لااقل حرفی که اسباب رنجش حال مسلمانان است مزن چرا باید تا حال مجلس شورای ملی منتظر و کلا باشند از بس سخنان ناهنجار زده می‌شود و مفسدین و متقلبین را وسیله به دست می‌آید اسباب تعویق فراهم می‌آورند چرا نباید امروز مجلس ملی مشغول احکام مساوات حقوق مسلمین و اجرای احکام خدا و رفع ظلم نشده باشد. چرا باید اسباب مسخره خارجه بشویم که بگویند با این نعمت و سعادت و اقبال هنوز اهالی ایران به خواب‌اند چرا نباید مثل اهالی ژاپون از دل و جان و مال در راه این فیض عظیم دریغ نکنیم و هر روزی صد سال راهی که رفته‌اند برویم چرا باید اسلام و اسلامیان را ببینیم هر روز در ضعف و سستی و ناتوانی مانده هیچ در فکر نجات خود و برادران و فرزندان خود نباشیم چرا نباید مثل برادران اسلامی خود چنان غیرت به خرج داده باشیم که از اتحاد و یکجتهی ما تمام عالم متحیر باشند. چنانچه از شمشیر اسلامیان قیاسره و خواقین در حرما خائف بودند.^۲

۱- برای نمونه ر.ک به: الجنب شماره ۶، ص ۷ و ۸، الجنب شماره ۷، عید اضحی ۱۳۲۴، ص ۳ الی ۵.
 ۲- برای نمونه ر.ک به: الجنب، سال اول، شماره ۸، محرم ۱۳۲۵، ص ۲ و ۳، مکتوب از انزلی.

(مجلس شورای اصفهان)

اصفهان، شنبه ۱۳ شوال ۱۳۲۴ هـ

خبرنامه اشراک

شماره ۱۳۲۴

تعداد ۸۰۰ عدد

قیمت ۱۰۰ ریال

مطبع: مطبعه مطهریه

پس از سالانه از مطبعه مطهریه

اصفهان

خبرنامه اشراک

شماره ۱۳۲۴

تعداد ۸۰۰ عدد

قیمت ۱۰۰ ریال

مطبع: مطبعه مطهریه

پس از سالانه از مطبعه مطهریه

اصفهان

روزنامه اشراک

معد نامتایف ناماد. بل. سیاس. انضامی. لاملان. مذاکران. انجمن. لایق. دیندار. انعقاد. دوج. میشود

روزنامه انجمن اصفهان

در پی صدور فرمان مشروطیت از سوی مظفردین شاه (۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ هـ ق)، به منظور انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی و همچنین حمایت و پشتیبانی از انقلاب مشروطیت و مجلس شورای ملی و آشنا ساختن مردم با دولت مشروطه و قوانین جدید، انجمن‌های ایالتی و ولایتی در اکثر مناطق کشور تشکیل شد؛ از جمله انجمن ایالتی اصفهان.

در اصفهان، این انجمن در تاریخ ۱۳۲۴ هـ ق به عضویت حاج آقا نورالله ثقة‌الاسلام، شیخ‌الاسلام، میرزا رضاخان نایینی، محاسب‌الدوله، حاج مشیرالملک و... تشکیل گردید. علاوه بر وظایف پیش‌گفته انجمن ایالتی به سرعت به محلی برای رسیدگی به تظلمات و شکایات مردم و همچنین عامل برقراری نظم و امنیت شهر درآمد. از این‌رو انجمن ایالتی که همه هفته مرتباً جلسات خود را در کاخ چهلستون برگزار می‌ساخت و به امور پیش‌گفته رسیدگی می‌کرد، به منظور آگاه ساختن مردم از مذاکرات و گفت‌وگوها و تصمیمات انجمن ایالتی به ناچار روزنامه‌ای را برای انتشار مذاکرات و تصمیمات انجمن در سال ۱۳۲۴ هـ ق تأسیس کرد.

شماره اول آن در تاریخ یکشنبه ۲۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ هـ ق ۶ ژانویه ۱۹۰۶ م در چهار صفحه به صورت هفتگی در اصفهان منتشر شد. مدیر کل آن آقا سراج‌الدین صدر جبل عاملی الموسوی و دبیر اداره میرزا محمدعلی علم و

ناظم و تحویلدار آن آقا میرزا محمد سعید نایینی بود.^۱ این روزنامه در سال اول به نام «روزنامه انجمن اصفهان» منتشر شد و در سال دوم انتشارش نام آن به «انجمن مقدس ملی اصفهان» و «انجمن مقدس ولایتی اصفهان» مبدل گردید. در حالی که در سال سوم و چهارم منحصرأ به نام «انجمن اصفهان» موسوم گردید. و تعداد صفحات آن که در ابتدا ۴ صفحه به قطع ۸/۵×۱۲/۵ سانتی‌متر بود، بعداً به ۸ صفحه در همان قطع افزایش یافت. همچنین از سال سوم انتشار آن چاپ آن از سنگی به چاپ حروفی مبدل شد.

چنانکه گفته شد روزنامه انجمن اصفهان به منظور انتشار صورت مذاکرات جلسات انجمن ایالتی تأسیس گردیده بود، اما علاوه بر صورت مذاکرات در برخی شماره‌ها، در صورتی که صفحات آن بیش از صورت مذاکرات بود، مقالات و مکتوبات مختلفی را نیز به چاپ می‌رساند و از شماره اول سال دوم نیز «شنبه ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ هـ ق» اقدام به انتشار «حکایت غریبه از قصه جنگ امپراتور ژاپن و روس» نمود. همچنین در سال پنجم انتشار آن که آخرین سال انتشارش نیز بود، اکثر صفحات آن به مقالات، مکتوبات و اخبار اختصاص یافت.

۱- انجمن اصفهان، سال اول، شماره یک، یکشنبه ۲۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ هـ ق، ص ۱.



لازم به ذکر است که انتشارات دانشگاه اصفهان در صدد است تا دوره روزنامه انجمن اصفهان را به همت آقای دکتر لقمان دهقان نیری منتشر سازد. امری که شایسته قدردانی می‌باشد و امیدواریم که دیگر روزنامه‌های عصر مشروطیت اصفهان نیز به همت پژوهشگران و نهادها و ارگانهای ذی‌ربط انتشار یابد.

نمونه‌ای از مقاله‌های روزنامه انجمن اصفهان

«یکی از سیاحان می‌نویسد نتیجه سیاحت من این است که در تمام ایران دیدم در هیچ بلادی آثار ترقیات و شمایل تمدن به نظر نیامد که بدان خوشوقت شوم در زراعت و تجارت بدانچه از پدران خودشان دیده‌اند قناعت دارند و جای بسی تعجب است که بدان نیز مفتخرند که شیوه اسلاف هنوز تماماً در میان ما مرعی است اما از این حرف و فراهم آوردن اسباب ترتیبات خانگی به درجه پیش افتاده‌اند که ابداً اجدادشان آن وضع را در خواب خودشان هم ندیده بودند. به جای ظروف مسین که از معمولات و مصنوعات وطن عزیز بود و یک صد سال به رفع احتیاج یک خانواده بزرگی به قدر دو بیست تومان از آن کفایت می‌نمود و در آخر هم چیزی از قیمت آن نمی‌کاست. امروز به دو بیست تومان یکپارچه چهلچراغ خریده بر سقف اطاقهای خودشان می‌آویزند که به یک افتادن بجز از یک کلمه (واه) صاحبش را چیزی از آن باقی نمی‌ماند. واضح است که از تصویر نیاکانشان امثال این چیزها هیچ وقتی نگذاشته بود و یکی از این انبوه مردم که علی‌الاکثر صاحبان املاک هم هستند هیچ گاهی بدین خیال نیفتاده‌اند که از مملکت همسایه یک ماشین خرمنکوبی یا یک داس ماشین از برای درون غله یا اینکه یک ماشین گندم پاک‌کن برای نمونه خریده بیاورند. در مزارع خودشان کار چه دارند تا محسنات آنها را برای رأی‌العین ملاحظه کنند و در تمامی این مملکت از شهرهای بزرگ گرفته تا قصبات و قریه‌ها دودکش یک ماشین و فابریکی دیده نمی‌شود که دودی از آن متصاعد گردد و از هیچ طرف بانگ صوت و صفیر حرکت ورود راه آهنی شنیده نمی‌شود (چرا طهران برای نمونه یک فرسخ راه آهن است آن هم از رعیت ایران نیست) در شهری بنای دوایر دولتی عمارت بلند و باشکوهی نیست از مکاتب دولتی و مریضخانه در هیچ جا نشانی نمی‌توان یافت و هیچ نقطه کومیانی و بانک که نمونه ترقی و تمدن است مشهود نیست. کسی را پروای وضع مساجد نیست. مقابر بزرگان پیشین مانند سلاطین

روزنامه انجمن اصفهان به منظور
انتشار صورت مذاکرات جلسات انجمن
ایالتی تأسیس گردیده بود، اما علاوه بر
صورت مذاکرات در برخی شماره‌ها،
در صورتی که صفحات آن بیش از صورت
مذاکرات بود، مقالات و مکتوبات مختلفی
را نیز به چاپ می‌رساند.

صفویه و غیره همه خراب از زحمات نایب‌السلطنه عباس میرزایی مرحوم و خدمات امیرکبیر میرزا تقی خان مغفور که در راه ملک و ملت کشیده و کردند سخنی که دلیل قدردانی اخلاف باشد در میان نیست نه نیکان را به رحمت یاد می‌کنند و نه بدان را به بدی نام می‌برند. ترک حقوق و قطع صلّه رحم و بی‌مروتی و عدم انصاف و بدخواهی همدیگر شغلشان است، ولی با این وضع چون چند نفری یک جا گرد آیند می‌گویند ای بابا دنیا چند روز است باید فکر آخرت نمود، اما همه دروغ به زبان می‌گویند ولی به فعل ننگرند آنچه در خیالشان می‌گذرد همان پرسش روز حساب است، خیرات می‌دهند اما اطعام اغنیا می‌کنند، نه فقرا، اعمالشان همه از روی ریاست. بی‌طمع و توقع احدی سلام نمی‌نمایند. نماز جماعتی را که می‌کنند از پیشنهاد توقعی دارند، اخلاق مردم چندان فاسد گشته که اصلاح آن مشکل می‌نماید، مگر اینکه محض تسلی خودمان بگوئیم چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند. در عرض راه از هر کجا که می‌گذری همه جا زمین قابل هرگونه زراعت است. ولی چه سود که غالباً بایر و لم‌یزرع افتاده است. همچنان بعضی از شهرهای بزرگ و کوچک از قلت سکنه گویی وادی خموشان است. بس که اهالی ناچار از مهاجرت ممالک خارجه شده‌اند شهرها خالی از مخلوق به نظر می‌آید.

بدبخت‌ترین سکنه این ملک گروه مزدوران و فعله و همانند بیچارگان باید یک روز کار کرده و یک روز نیز پی تحصیل نان دکان به دکان بگردند تا شام بلکه بتوانند نیم من نان با پول خودشان به چنگ آورند.^۱

۱- انجمن مقدس ملی اصفهان، سال دوم، شماره ۲۷.